



مقایسه تحول تاریخی - تطبیقی برخی واج‌ها و ساخت هجا در بلوچی سراوانی و فارسی

شیماء جعفری دهقی^{*۱}

عباسعلی آهنگر^۲

عبدالماجد سپاهیان^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

گوش بلوچی سراوانی یکی از گویش‌های زبان بلوچی است. هدف این پژوهش، بررسی و توصیف تحول برخی از واج‌های گوش بلوچی سراوانی از ایرانی باستان تاکنون و مقایسه آنها با فارسی است. همچنین ساخت هجا در بلوچی سراوانی با فارسی میانه و فارسی نو مقایسه خواهد شد. برای رسیدن به این هدف، واج‌ها از گفتار گویشوران بلوچی سراوانی گردآوری و تحول واج‌های مورد نظر از ایرانی باستان تا بلوچی امروز مقایسه شد. از جمله برخی یافته‌های پژوهش ابقای واژه‌های مرکب ایرانی باستان و واج /t/ در پایان واژه‌ها در بلوچی سراوانی است. همچنین ساخت هجا در بلوچی سراوانی شباهت بیشتری به فارسی میانه دارد تا فارسی نو و در آن ساخت (C)CV(C)(C) از دوره میانه باقی مانده است.

کلیدواژه‌ها: واج‌شناسی تاریخی - تطبیقی، زبان بلوچی، گوش بلوچی سراوانی، ساخت هجا، گوش‌شناسی.

✉ sh.jaafari@velayat.ac.ir

✉ ahangar@english.usb.ac.ir

✉ abdolmajed.mosaper@gmail.com

۱- استادیار زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت، ایرانشهر*

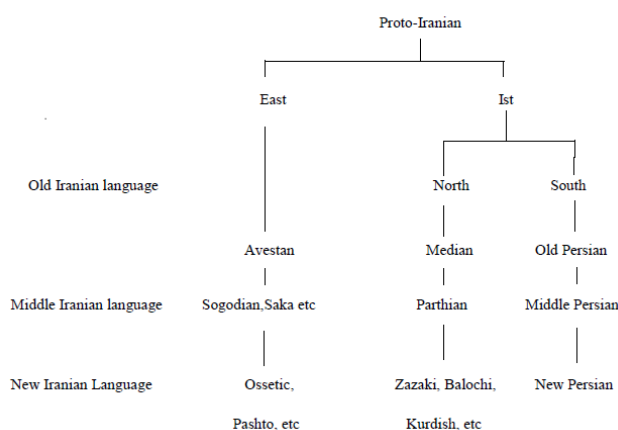
۲- استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت، ایرانشهر

۱- مقدمه

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران واقع شده و با پاکستان و افغانستان هم‌مرز و مساحت آن ۱۸۱،۷۸۵ کیلومتر مربع است. شهرهای مهم این استان خاش، ایرانشهر، سراوان، زابل، سوران، نیکشهر و چابهار را شامل می‌شود. گریسون^۱ وطن اصلی مردمان بلوچ را در همسایگی دریای خزر می‌شمارد و به نظر او آنها بعداً به کرمان مهاجرت کردند و در قرن یازدهم میلادی با حمله سلجوقیان، مجبور به حرکت به سمت جنوب شرقی ایران، به سیستان و مکران شدند (گریسون، ۱۹۲۱: ۳۲۷).

جایگاه زبان بلوچی از دیدگاه تاریخی میان زبان‌های غربی ایرانی بحث‌برانگیز بوده است. پُل^۲ (۶۱: ۲۰۰۳) ادعا می‌کند که بلوچی بیشتر یک زبان جنوب غربی است و الفنباین^۳ (۱۹۸۹) و کُرن^۴ (۲۰۰۳) این زبان را متعلق به گروه‌های شمال غربی زبان‌های ایرانی و هم‌گروه با زبان‌هایی همچون کردی، گیلکی، تالشی و دیگر زبان‌های ایرانی در نظر می‌گیرند. کُرن (۲۰۰۳: ۵۰) جایگاه بلوچی را میان سایر زبان‌های ایرانی به شکل درخت زیر نشان می‌دهد:



شکل ۱: جایگاه زبان بلوچی میان زبان‌های ایرانی (کُرن، ۲۰۰۳: ۵۰)

همان‌گونه که در این تصویر مشخص است، زبان بلوچی متعلق به شاخه شمالی از خانواده زبان‌های ایرانی غربی است و شباهت بسیاری با زبان‌های کردی و زازاکی دارد و بازمانده زبان پارسی (یا پهلوی اشکانی) است. افزون‌بر این، بلوچی گویش‌های متنوعی دارد که هر یک ویژگی‌های مشخصی دارند. زبان‌شناسان نخست

1. Grierson
2. Paul
3. Elfenbein
4. Korn

تصور می‌کردند که اساساً دو گروه گویشی در این زبان وجود دارد: گویش‌های شمالی و جنوبی. گایگر^۱ (۱۸۸۹) و دیمز^۲ (۱۸۹۱) از جمله پیروان این نظریه بودند. نخستین زبان‌شناسی که نظر متفاوتی مطرح کرد، گریسون^۳ (۱۹۲۱) بود که بلوچی غربی را در مقابل بلوچی شرقی پیشنهاد داد. الفنباین (۱۹۶۶)، بارکر^۴ و منگال^۵ (۱۹۶۹) و جهانی (۱۹۸۹) از پیروان طبقه‌بندی دوم هستند. با این حال، دقیق‌ترین تقسیم‌بندی گویش‌های بلوچی را الفنباین ارائه داده است. به گفته او (۱۹۸۹: ۶۳۷-۶۳۶)، بلوچی از دو گروه اصلی گویش‌های شرقی و غربی تشکیل شده است که خود به شش گویش تقسیم می‌شوند: ۱. رخشانی با سه زیرشاخه سرحدی (که شامل بلوچی سیستان و بلوچی ترکمنستان می‌شود)، پنجگوری و کلاتی؛ ۲. سراوانی؛ ۳. لاشاری؛ ۴. کیشی؛ ۵. گویش‌های ساحلی و ۶. بلوچی تپه شرقی. جهانی و گرن (۲۰۰۹: ۶۳۶) به‌طور کلی گویش‌های بلوچی را به سه گروه بلوچی شرقی، غربی و جنوبی تقسیم کرده‌اند و بر این باورند که بلوچی سراوانی از جمله گویش‌هایی است که ویژگی‌های گویش‌های بلوچی غربی و جنوبی را با هم دارد. جهانی تعداد کل گویشوران بلوچی را بین ۵ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده است (۲۰۰۱: ۵۹).

۲- طرح مسئله

گویش بلوچی سراوانی در سراوان در سیستان و بلوچستان رایج است. سراوان ۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و از سوی شرق به پاکستان و چابهار، از شمال به خاش و زاهدان و از سوی غرب به ایرانشهر می‌رسد. البته سراوان امروزه به چهار شهرستان مهرستان، سوران، سراوان و گلشن تقسیم شده است و منطقه وسیعی را در برمی‌گیرد. گویش بلوچی سراوانی تنها در ایران گویشور دارد و خود به چند گویش تقسیم می‌شود. باران‌زهی گویش بلوچی سراوانی را به دو گویش اصلی سراوانی مرکزی و سراوانی/دهواری تقسیم می‌کند. او سراوانی مرکزی را شامل منطقه زنگیان، دزک، سراوان (شستون، سرجو و بخشان) تا هُشک، گُشت، جالق، کَلگان، ناهوک، پَسکوه سیب و آن سوی رشته کوه سیاهان می‌داند. همچنین باران‌زهی گویش سراوانی/دهواری را یک گویش واسط و متعلق به دهوار و نواحی اطراف آن و کل سوران (به جز پَسکوه و سیب) در نظر می‌گیرد (۲۰۰۳: ۷۷).

در این پژوهش به بررسی تحول تاریخی برخی از واج‌ها در بلوچی سراوانی خواهیم پرداخت. پرسش اصلی این است که این واج‌ها مشخصاً از زبان ایرانی باستان (که مادر زبان‌های ایرانی نو به شمار می‌رود) تاکنون چه تغییراتی داشته‌اند و در مقایسه با زبان فارسی این تغییرات چگونه بوده است. آیا بلوچی سراوانی از لحاظ تحول واج‌ها به زبان فارسی شباهت دارد؟ افزون بر این، ساخت هجا نیز در بلوچی سراوانی با فارسی میانه و فارسی

1. Geiger
2. Dames
3. Grierson
4. Barker
5. Mengal

نو مقایسه خواهد شد. نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش هستند که آیا ساخت هجا در بلوچی سراوانی با فارسی میانه شباهت بیشتری دارد یا فارسی نو؟

۱-۲- پیشینه پژوهش^۱

نخستین پژوهش درباره واج‌شناسی بلوچی را دیمز ارائه داد (۱۸۹۱). او واکه‌های بلند، کوتاه و واکه‌های مرکب^۲ و پدیده خیشومی‌شدگی^۳ را در بلوچی شرقی توصیف کرد. در سال ۱۹۶۷ میلادی، اسپونر^۴ به معرفی گویش بلوچی سراوانی پرداخت (۱۹۶۷: ۵۱-۷۱). او توزیع واکه‌ها و ویژگی‌های آوایی را در گویش بلوچی سراوانی توصیف کرد و درباره فرآیند خیشومی‌شدگی که از ویژگی‌های بارز این گویش است، توضیحاتی نوشت. باران‌زهی در مقاله‌ای به توصیف گویش بلوچی سراوانی و تأثیر زبان فارسی بر این گویش پرداخته است (۲۰۰۳: ۷۵-۱۱۱). باران‌زهی، دستگاه واجی بلوچی سراوانی را نیز توصیف کرده است. افزون‌بر این، کُرُن بیش از همه پژوهشگران به دگرگونی‌های تاریخی زبان بلوچی پرداخته است (۲۰۰۵). او به تحولات تاریخی در آواشناسی، واژه‌شناسی و دستور تاریخی «بلوچی معیار»^۵ به‌طور کلی پرداخته است.

آثار دیگری که به توصیف هم‌زمانی زبان‌شناختی زبان بلوچی پرداخته‌اند، اثر جهانی و کُرُن (۲۰۰۹) و اوکاتی (۲۰۱۲) است. اوکاتی به بررسی نظام‌های واکه‌ای پنج گویش بلوچی ایرانی پرداخته است که در مناطق سیستان، خاش، سراوان، ایرانشهر و چابهار تکلم می‌شود. محمودزهی (۱۳۷۸) در رساله دکتری و قاسم‌زاده (۱۳۹۰) در رساله کارشناسی‌ارشد خود به برخی موارد واج‌شناسی تاریخی زبان بلوچی پرداخته‌اند. سوهانی و همکاران درباره الگوی تکیه‌واژگانی در بلوچی سراوانی نوشته‌اند (۲۰۱۱). آهنگر و زینلی^۶ در پژوهشی به راهبردهای ردکردن در بلوچی سراوانی پرداخته‌اند (۲۰۱۳). آهنگر و همکاران در پژوهشی دیگر ارتباط فاصله جغرافیایی با ساختار دستگاه واجی در گویش‌های فارسی، بلوچی سراوانی و سیستانی را بررسی کرده‌اند (۲۰۱۳). با این حال، پژوهش‌ها درباره واج‌شناسی تاریخی-تطبیقی گویش‌های زبان بلوچی همچنان ادامه دارد.^۷

۲-۲- روش پژوهش

با توجه به این که زبان بلوچی و به‌ویژه گویش‌های آن همچون بلوچی سراوانی، صورت شفاهی دارند و کمتر مکتوب شده‌اند، روش گردآوری داده در این مقاله میدانی است و واژه‌ها از گفتار گویشوران گردآوری شده است.

۱. لازم به ذکر است در این بخش پیشینه پژوهش درباره زبان بلوچی در ایران مدنظر است.

2. Diphthongs
3. Nasalization
4. Spooner
5. Standard Balochi

۶. نک. زینلی ۱۳۹۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۷. برای آگاهی بیشتر درباره پژوهش‌های انجام شده درباره زبان بلوچی نگاه کنید به کرن ۲۰۰۵: ۲۱-۲۶؛ ۳۳-۳۶. همچنین برای پژوهش‌های بیشتر درباره بلوچی سراوانی نگاه کنید به سوهانی و دیگران ۲۰۱۴ و سوهانی و دیگران ۲۰۱۶.

از ده گویشور بومی^۱ (پنج مرد و پنج زن) که میزان تحصیلات آنها دو نفر دارای سواد خواندن و نوشتن (زن)؛ دو نفر ابتدایی (زن)؛ چهار نفر دیپلم (یک زن و سه مرد)؛ یک نفر کارشناسی (مرد) و یک نفر کارشناسی ارشد (مرد) بوده داده‌ها گردآوری شده است. یکی از نگارندگان (سپاهیان)، از گویشوران سراوانی و ساکن منطقه است و افزون بر شمّ زبانی خود، داده‌ها را گردآوری و با دیگر گویشوران نیز تطبیق داده است. برای تطبیق واج‌ها از لحاظ تاریخی، کلمات به ترتیب در زبان‌های ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی نو ذکر شده است. لازم به ذکر است منظور از زبان فارسی نو، فارسی رایج و استاندارد در ایران کنونی است. از آنجا که تحولات تاریخی زبان بلوچی و گویش‌های آن با زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی غربی آمیخته و پیوسته است نمی‌توان آنها را صرفاً به تنهایی بررسی کرد. بنابراین، در پژوهش حاضر گویش سراوانی با فارسی، فارسی میانه و فارسی میانه اشکانی مقایسه شده است. همچنین در مواردی معادل کلمه‌ها در دیگر زبان‌های ایرانی برای ارائه شواهد بیشتر آمده است. واژه‌های ایرانی باستان از هرن^۲ (۱۸۹۳)، اوستایی از بارتلمه^۳ (۱۹۶۱)، فارسی میانه از مکزی (۱۹۷۱)، فارسی میانه اشکانی از دورکین-مایسترارنست^۴ (۲۰۰۴) است.

۳- تحول تاریخی برخی واج‌ها در بلوچی سراوانی

با توجه به پژوهش‌های پیشین همخوان‌های گویش بلوچی سراوانی از این قرار است:

| حلقی | ملازی | پیش-کامی / کامی | برگشته | دندانی- لثوی | لبی |
|------|-------|-----------------|--------|--------------|-----|
| | k | | ʈ | t | P |
| | g | | d | d | b |
| | | č | | | |
| | | ǰ | | | |
| | (x) | š | | s | (f) |
| | (g) | ž | | z | |
| | ŋ | | | n | m |
| | | | | r | |
| | | | | l | |
| | | y | | | w |

باران‌زهی (۲۰۰۳: ۸۰)

۱. منظور گویش مرکزی سراوان است. نگارندگان از گویشوران بلوچی سراوانی آقایان جان محمد جهاننده؛ تاج محمد جنگی‌زهی؛ احسان ملازاده؛ ابراهیم سپاهی؛ بشیر احمد دهواری و خانم‌ها نورخاتون سپاهی؛ گل‌بی‌بی دهواری؛ ساجده باران‌زهی؛ زینب دادالهی و عاده نورشیروانی مقدم سپاسگزارند.

2. Horn

3. Bartholomae

4. Durkin-Meisterernst

واکه‌های بلوچی سراوانی بنا بر باران زهی (۲۰۰۳: ۸۱) از این قرار است:

واکه‌های کشیده یا بلند: /ō, ē, ū, ā, ā̄, ā̄̄/

واکه‌های کوتاه: /o, e, a/

واکه‌های مرکب^۱: /aw, ey/

واج‌هایی که در این بخش برای تطبیق تاریخی گزیده شده‌اند بیشتر واج‌هایی هستند که از زبان‌های ایرانی باستان تا بلوچی بدون تغییر باقی مانده‌اند. این واج‌ها بیشتر شامل انسدادی‌ها و سایشی‌ها و واکه‌های مرکب است.

۳-۱- واج‌هایی که از ایرانی باستان در بلوچی سراوانی بدون تغییر باقی مانده‌اند

واکه کوتاه a در بلوچی سراوانی اغلب بازمانده a در زبان ایرانی باستان است. این واج از لحاظ آوایشناسی تاریخی، در زبان فارسی باستان مانند زبان‌های دیگر ایرانی و هندی قدیم می‌تواند صورت تحول یافته‌ی یکی از سه واکه کوتاه a, e, o یا یا دو واج m یا n هندواروپایی باشد. این تحول آوایی، یعنی تبدیل واکه‌های سه‌گانه به یک واکه، یکی از مشخصه‌های بارز زبان‌های هندوایرانی است و از دیدگاه آوایشناسی تطبیقی یکی از وجوه مهم تشخیص و تمایز این شاخه از دیگر زبان‌های هندواروپایی به‌شمار می‌رود (باقری، ۱۳۸۰: ۱۵). در بلوچی سراوانی، این واج در آغاز و میان واژه‌ها همانند زبان فارسی باقی مانده است: واج /a/ از لحاظ تحول تاریخی از ایرانی باستان در بلوچی سراوانی باقی مانده است:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | فارسی میانه اشکانی | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|-------------|-------------|--------------------|---------|---------------|
| aps | اسب asb | asp | asp | asp- | *aspa- |
| banda | بانده bande | bandag | bandag | - | *bandaka- |

واج /ā/ از ایرانی باستان در بلوچی سراوانی بدون تغییر باقی مانده است:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | فارسی میانه اشکانی | اوستایی | فارسی باستان |
|---------------|----------------------|-------------|--------------------|---------|--------------|
| āp | آب āb | āb | āb | āp- | āp- |
| tās | تاس tās ^۲ | tās | tāst | - | - |

۱. در مورد وجود یا عدم وجود، ماهیت و تعداد واکه‌های مرکب در زبان بلوچی به‌طور کلی اختلاف نظرهایی میان زبان‌شناسان دیده می‌شود. در این پژوهش دیدگاه باران زهی در نظر گرفته شده است.

۲. علامت ستاره (*) به معنی واژه بازسازی شده است.

۳- منظور ظرفی است که در آن آب و مایعات دیگر ریزند.

۳-۲- واکه‌هایی که از ایرانی باستان در بلوچی سراوانی تغییر کرده و یا حذف شده‌اند

از لحاظ تاریخی اگر واج /a/ در کنار یکی از واج‌های /b/، /p/ یا /m/ قرار گرفته باشد در برخی موارد در فارسی نو به /o/ تبدیل می‌شود. در بلوچی سراوانی نیز این تحول واجی رخ داده است.

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|---------------------------------|-------------|---------------------------------------|------------------------------|
| borten | bordan بُردن | burdan | bar- | مادهٔ *bara- مضارع |
| bozerg | bozorg بزرگ | wuzurg | قس. -vazārət- «با قدرت حرکت‌کننده» | قس. فارسی باستان vazrka- |
| pōst | post پوست | pōst | - | قس. فارسی باستان pavastā- |
| mort | mord مُرد (گذشتهٔ فعل مُردن) | murd | قس. -mar- (مردن موجودات اهریمنی) | قس. فارسی باستان marta- |

در فارسی نو اگر واج /a/ در کلمه‌ای قبل از واج‌های /z/، /ž/، /s/، /š/ و /y/ واقع شود در برخی موارد تبدیل به /e/ می‌شود. در زبان بلوچی سراوانی نیز این تغییر رخ داده است.

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|-----------------------|----------------------|---|---------------------------------|
| hezār | hezār هزار (عدد) | hazār | hazaŋra- | *hazahra- |
| čežm | češm چشم (عضو بدن) | čašm | čašman- | *čašman- |
| eždaha | eždaha ازدها | قس. پارتی aždahāg | aži.dahāka- | - |
| reseten | resīdan رسیدن | rasīdan | rasa- (مادهٔ آغازی به معنی حرکت کردن) | *rasa- (مادهٔ آغازی) |
| peyyām | peyyām پیغام | paygām | - | قس. فارسی باستان *pati.gāma- |

۱. تکواژ فارسی باستان -pati- در فارسی میانه به -pat- و در فارسی نو تبدیل به -pay- می‌شود و در یک تحول دیگر واکهٔ /a/ که در کنار /y/ قرار می‌گیرد تبدیل به /e/ می‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۲).

در فارسی یای مجهول دوره میانه که بازمانده واکه مرکب /ai/ یا /ae/ ایرانی باستان بوده به واج /i/ تبدیل شده است. اما در بلوچی سراوانی، همانند دیگر گویش‌های بلوچی یای مجهول باقی مانده است:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|------------------|-------------|---------|---|
| ērān | īrān ایران | ērān | airya- | قس. فارسی باستان ariyānām ^۱ |
| ḍēh (دیو) | dīv دیو | dēw | daiva- | *daiva- |
| nēm | nīm نیم (نصف) | nēm | naēma- | *naima- |

واج مرکب /au/ ایرانی باستان در دوره میانه به /ō/ و در فارسی نو به /ū/ تبدیل می‌شود. در بلوچی به شکل /ō/ باقی مانده است.^۲

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | قس. فارسی باستان |
|---------------|--------------|-------------|--------------------------|-------------------------------|
| rōz/ rōč | rūz روز | rōz | raočah- | raučah- |
| dōst | dust دوست | dōst | قس. -zaoš- (خوش آمدن) | *dauštā- (حالت فاعلی مفرد) |

۳-۳- تحول تاریخی برخی همخوان‌ها در بلوچی سراوانی

همخوان‌های گویش بلوچی سراوانی بیشتر همان همخوان‌های ایرانی باستان هستند. همخوان‌ها در این زبان در مقایسه با زبان فارسی تحول کمتری داشته‌اند. به مواردی به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود:

تحول واج /p/ از ایرانی باستان به فارسی میانه و فارسی نو به این شکل است که ممکن است یا به همان صورت باقی مانده باشد و یا به واج‌های /b/، /v/ و یا /f/ تبدیل شده باشد. اگر واج /p/ در آغاز واژه باشد، از ایرانی باستان تاکنون بدون تحول باقی مانده است. اگر /p/ در میان کلمه قرار گیرد و واج کناری آن واکه و یا یکی از واج‌های /t/، /l/ یا /n/ باشد، اغلب به /b/ تبدیل شده است. در بلوچی سراوانی در مواردی این دگرگونی

۱. اگر /a/ در کنار خوشه صوتی /Iy/ قرار گیرد، در دوره میانه بدل به /ē/ و در فارسی نو تبدیل به /ī/ می‌شود. در بلوچی به همان شکل باقی مانده است.

۲. البته تغییرات دیگری هم در مورد این واج مرکب رخ داده است.

اتفاق افتاده (مثلاً در مورد حرف اضافه «بر» و پیشوند «-بی» که احتمالاً از فارسی وارد بلوچی شده) اما در بیشتر واژه‌ها، واج /p/ ایرانی باستان باقی مانده است.

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|-------------------------|-------------|--|---------------|
| tap | tab ^۱ تَب | tab | tafnu- tafnu حرارت و گرما | *tapa(h)- |
| čarp | čarb چَرَب (روغنی) | čarp/ čarb | - | - |
| abor | bar ^۲ بَر | abar/ apar | upairi- | upariy- |
| bē- | bi- ^۳ پیشوند | abē/ apē- | apa-xšaθra- قس. به دور از شهر یاری | - |

واج /b/ آغازی از ایرانی باستان تا فارسی نو بدون تحول باقی مانده است. این واج در بلوچی سراوانی نیز باقی مانده است:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|------------------------|---------------------|------------------|--------------------|-------------------------|
| berāt | barādar برادر | brād | brātar-/ brāθr- | قس. فارسی باستان-brātar |
| bām-ār ^۴ | bām بام، روشنایی | bām ^۵ | bāmya- | *bāma- |
| bahu-band ^۶ | bāzu بازو (عضو بدن) | bāzug | bāzu- | *bāzūka- |

اگر واج /b/ میان دو واکه قرار گیرد، تحول آن در زبان‌های مذکور به شکل زیر خواهد بود:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | فارسی میانه اشکانی | اوستایی | ایرانی باستان |
|------------------------|---------------|-------------|---------------------------------|----------------------------|--|
| paybond (پیوند ازدواج) | peywand پیوند | paywand | paywenn- ماده مضارع: "پیوند" | قس. bandaiia- "بستن" | قس. فارسی باستان *pati- bandaya- |

۱. تب کردن، افزایش دمای بدن

۲. حرف اضافه به معنی بر

۳. پیشوند به معنی بدون

۴. صفت است به معنی آورنده سپیده دم و صبح (جهان‌دیده، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

۵. روشنی، درخشش

۶. بازویند

۷. مثال‌ها بجز بلوچی سراوانی برگرفته از رضایی باغبیدی (۲۰۱۷: ۲۹).

هرگاه واج /b/ در کنار /m/ قرار گیرد در فارسی میانه باقی مانده است و در فارسی نو و بلوچی نخست بر اثر دگرگون‌سازی /m/ تبدیل به /n/ شده و سپس در یک تحول دیگر، دو واج /n/ و /b/ در هم ادغام و بدل به واج /m/ می‌شود:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|------------------|----------------------------------|-------------|---------|---------------|
| pamba/ pammag | panbe پنبه | pambag | - | - |
| domb/ domm | dunb/ dum دُم (عضو بدن حیوان) | dum | duma- | *dumbma- |

واج /d/ فارسی باستان معادل /ḍ/ و در مواردی /z/ اوستایی است که خود بازمانده /d/، /dh/، /g/، /gh/ هندواروپایی بوده است. در زبان فارسی واج /d/ اگر در آغاز کلمه قرار گیرد، بدون تغییر باقی می‌ماند. اما در زبان بلوچی، در برخی موارد (به‌ویژه گویش ایرانشهری) /d/ به‌صورت /z/ آمده که بازمانده /g/ و یا /gh/ هندواروپایی است و این همان تلفظ زبان‌های شرقی و شمالی همچون اوستایی، پارتی و سغدی و دیگر زبان‌ها است. در بلوچی سراوانی این واج همانند فارسی به صورت /d/ تلفظ می‌شود. نمونه این واژه‌ها از این قرار است:

| بلوچی سراوانی | فارسی نو | فارسی میانه اشکانی (پارتی) | فارسی میانه | اوستایی | فارسی باستان |
|---------------|-----------------------------|----------------------------|-------------------|----------|--------------|
| daryā | daryā دریا | zrēh | zrēh/ drayāp | zrayah- | drayah- |
| dāmād | dāmād داماد | zāmād | dāmād | zāmātar- | *dāmātar- |
| dānesten | dānistan, dān- دانستن | zān- | dānistan, dān- | zan- | *dānā- |

واج /š/ در فارسی باستان اگر بازمانده s هندواروپایی باشد تا فارسی نو بدون تحول باقی می‌ماند. این واج در بلوچی سراوانی نیز تحولی همانند فارسی داشته است:

| بلوچی سرآوانی | فارسی نو | فارسی میانه اشکانی (پارتی) | فارسی میانه | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|---------------------------|----------------------------|-------------|----------|---------------|
| angošt | angošt انگشت (عضو بدن) | angušt | angust | angušta- | *angušta- |
| bahešt | behest بهشت | wahišt | wahišt | vahišta- | - |

اگر واج /č/ ایرانی باستان در کنار واکه قرار گیرد، در فارسی میانه باقی می‌ماند اما در فارسی نو بدل به /z/ می‌شود:

| بلوچی سرآوانی | فارسی نو | فارسی میانه اشکانی (پارتی) | فارسی میانه | اوستایی | فارسی باستان |
|---------------|----------------------------|----------------------------|-------------|-----------------------|--------------|
| rōz | rōz روز | rūz | rōz | raočah- | raučah- |
| wāz | bāz باز (در مقابل بسته) | abāž | abāz | قس. سنسکریت: apāč- | *vāča- |

۴- مقایسه تحول تاریخی برخی واجهای بلوچی سرآوانی با فارسی

در بخش‌های پیشین به مقایسه تحول تاریخی گزیده‌ای از واج‌ها در زبان‌های ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی نو پرداخته شد. برآیند تحول این واکه‌ها را این‌گونه می‌توان نشان داد:

۴-۱- واکه‌ها

| بلوچی سرآوانی | فارسی نو | فارسی میانه | فارسی میانه اشکانی | اوستایی | ایرانی باستان |
|---------------|----------|-------------|--------------------|------------|-------------------------------|
| /a/ | /a/ | /a/ | /a/ | /a/ | /a/ |
| /ā/ | /ā/ | /ā/ | /ā/ | /ā/ | /ā/ |
| /o/ | /o/ | /u/ | /o/ | /a/ | /a/ + /b/, /p/, /m/ |
| /e/ | /e/ | /a/ | /a/ | /a/ | /a/ + /z/, /ž/, /s/, /š/, /y/ |
| /ē/ | /ī/ | /ē/ | /ē/ | /ai/, /ae/ | /ai/, /ae/ |
| /ō/ | /ū/ | /ō/ | /ō/ | /au/ | /au/ |

۴-۲- همخوان‌ها

| ایرانی باستان | اوستایی | فارسی میانه | فارسی نو | بلوچی سراوانی |
|---------------------|---------|-------------|-------------|-----------------|
| /p/ + /r/, /l/, /n/ | /f/ | /b/ | /b/ | /p/ |
| /b/ آغازی | /b/ | /b/ | /b/ | /b/ |
| /b/ میان دو واکه | /b/ | /w/ | /w/ | /b/ |
| /b/ + /m/ | /m/ | /m/ یا /mb/ | /m/ یا /nb/ | /mm/ یا /mb/ |
| /d/ آغازی | /z/ | /d/ | /d/ | /d/ |
| /š/ | /š/ | /š/ | /š/ | /š/ |
| /č/ | /č/ | /z/ | /z/ | /z/ |

۵- تحول تاریخی ساخت هجا در بلوچی سراوانی

برای بررسی تاریخی - تطبیقی ساخت هجا در بلوچی سراوانی ابتدا به ساخت هجا در فارسی باستان، سپس فارسی میانه و فارسی نو پرداخته خواهد شد و در پایان ساخت هجا را در این زبان‌ها با بلوچی سراوانی مقایسه خواهیم کرد.

تاکنون پژوهش اندکی درباره ساخت هجا در زبان فارسی باستان انجام شده است. در منبع اصلی برای پژوهش درباره زبان فارسی باستان، یعنی اثر کنت (۱۹۵۳)، به اختصار به ساخت هجا در این زبان پرداخته شده است. بنابر پژوهش اشمیت^۱ (۲۰۰۴: ۷۲۵)، اسلامی (۱۳۸۸: ۱۲۳) و زعفرانلو و همکاران (۱۳۸۹: ۷۴) ساخت هجا را در زبان فارسی باستان می‌توان به شکل (c)(c)v(c)(c) توصیف کرد. برای نمونه این واژه‌ها در زبان فارسی باستان با آغازه خوشه همخوان با سه همخوان مشاهده می‌شود:^۲

OP: xšnav- (Kent 1953: 182) "شنیدن"

OP: xšnuta- (Kent 1953: 182) "خشنود"

برخی واژه‌هایی که در فارسی باستان دارای آغازه خوشه همخوان با دو همخوان هستند:

OP: fraθ- (Kent 1953: 198) "پرسیدن"

OP: spāda- (Kent 1953: 210) "سپاه"

ساخت هجا در زبان فارسی میانه را می‌توان به شکل (c)(c)v(c)(c)(c) توصیف کرد. همان‌گونه که مشخص است تنها بخش لازم برای تشکیل هجا در فارسی میانه واکه است که هسته آن را تشکیل می‌دهد. آغازه اختیاری هجا و نیز پایانه اختیاری هجا در فارسی میانه ممکن است شامل همخوان و یا خوشه همخوان

1. Schmitt

۲. در این پژوهش به ساخت هجاهایی که در این زبان‌ها مشابه هستند پرداخته نخواهد شد.

3. Old Persian

دارای دو یا سه همخوان باشد. آغازۀ هجاهایی که با سه همخوان باشد در این زبان کمتر دیده می‌شود و هجاهایی که دارای پایانه با سه همخوان باشند تنها در وام‌واژه‌های عالمانۀ اوستایی است (رضایی بقبیدی، ۲۰۱۷: ۱۱). نمونه‌ی واژه‌هایی که در زبان فارسی میانه آغازۀ خوشۀ همخوان با سه همخوان دارند از این قرار است:

"سپرغم، گیاه خوشبو" ZMP^۱: sprahm

"رضایت، شادی" ZMP: xšnūman (YAv^۲.xšnūman)

برخی واژه‌هایی که در فارسی میانه دارای آغازۀ خوشۀ همخوان با دو همخوان هستند:

"فرستاده، فرشته" ZMP: frēstag

"خرد، دانش" ZMP: xrad

در بلوچی سراوانی بنابر پژوهش‌های آهنگر و همکاران (۲۰۱۳: ۱۲۳) ساخت هجا به صورت (c)cv(c)(c) توصیف می‌شود. برای نمونه واژه‌های زیر در گویش بلوچی سراوانی دارای آغازۀ خوشۀ همخوان با دو همخوان هستند:

"خاله، عمه" CS^۴: trū

"خویشاوند" CS: syād

بنابر حق‌شناس (۱۳۵۶: ۱۳۸-۱۳۹) انواع سه‌گانه هجا در آواشناسی زبان فارسی عبارتند از هجای کوتاه cv، هجای متوسط CVC و هجای بلند CVCC. نجفی (۱۳۵۸) ساخت هجا در زبان فارسی را شامل (c)(c)cv ذکر می‌کند. کرد زعفرانلو کامبوزیا نیز نظریه‌های این دو پژوهشگر را درباره ساخت هجا تکمیل می‌کند (۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۵۶). همان‌گونه که در این پژوهش‌ها مشاهده می‌شود در زبان فارسی هجای آغازی با خوشۀ همخوان وجود ندارد. بنابراین ساخت هجا را در زبان فارسی به صورت (c)(c)cv در نظر می‌گیریم. جدول پایین مقایسه ساخت هجا در زبان‌های یاد شده را نشان می‌دهد.

| ساخت هجا در فارسی | ساخت هجا در فارسی میانه | ساخت هجا در بلوچی سراوانی | ساخت هجا در فارسی نو |
|-------------------|-------------------------|---------------------------|----------------------|
| (c)(c)(c)v(c)(c) | (c)(c)(c)v(c)(c)(c) | (c)cv(c)(c) | cv(c)(c) |

با توجه به آنچه گذشت می‌توان درباره تحول تاریخی ساخت هجا از زبان فارسی باستان به فارسی نو چنین نتیجه گرفت که این ساخت در فارسی میانه نیز با سه همخوان وجود داشته است اما در فارسی نو ساخت هجا با آغازۀ سه همخوانی وجود ندارد. همچنین، مقایسه ساخت آغازی هجا در فارسی نو و بلوچی سراوانی نشان می‌دهد که آغازۀ هجا با دو همخوان در این گویش بر خلاف فارسی امکان‌پذیر است.

1. Zoroastrian Middle Persian

2. Young Avestan

۳. برای واژه‌های فارسی میانه نگاه کنید به مکنزی ۱۹۷۱: ۱۳۷۳ ذیل واژه‌ها.

4. Central Sarawani

۶- نتیجه گیری

بررسی تحول واج‌ها در زبان‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابر آنچه گذشت، تحول تاریخی برخی واج‌ها در زبان بلوچی سراوانی مشخص شد. اگر تحول تاریخی واج‌ها را در زبان فارسی با گویش بلوچی سراوانی مقایسه کنیم مشخص خواهد شد که برخی از واج‌های بلوچی سراوانی به همان شکل و بدون تغییر از ایرانی باستان تاکنون باقی مانده‌اند، در حالی که در زبان فارسی این واج‌ها تحولات بسیاری داشته‌اند. همچنین برخی از تحولات آوایی زبان بلوچی سراوانی از لحاظ تاریخی با فارسی مشابه است. بلوچی سراوانی از لحاظ تحول تاریخی واج‌ها، برخی ویژگی‌های گروه‌های شمال غربی زبان‌های ایرانی و برخی ویژگی‌های بارز گروه‌های جنوب غربی زبان‌های ایرانی از جمله زبان فارسی را داراست (مثلاً حفظ واج /š/ ایرانی باستان در بلوچی). این پژوهش نشان داد واج /d/ آغازی در بلوچی سراوانی همچنان از ایرانی باستان باقی مانده و این همان تلفظ زبان‌های شرقی و شمالی همچون اوستایی، پارسی و سغدی و دیگر زبان‌ها است. افزون بر این، واج /č/ ایرانی باستان در کنار واکه در فارسی و بلوچی سراوانی به /z/ تبدیل می‌شود. از بررسی تحول تاریخی برخی واج‌ها در بلوچی سراوانی می‌توان نتیجه گرفت که واج‌ها در بلوچی سراوانی از لحاظ تحول از ایرانی باستان تاکنون نسبت به زبان فارسی تحول کمتری داشته‌اند. همچنین پژوهش درباره ساخت هجا نشان داد که در بلوچی سراوانی ساخت هجا با دو همخوان آغازی همانند فارسی باستان و میانه باقی مانده است در حالی که این ساخت در فارسی نو مشاهده نمی‌شود. به طور کل از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که گویش بلوچی سراوانی در تحول تاریخی واج‌ها و ساخت هجا نسبت به زبان فارسی محافظ کارتر بوده است.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- اسلامی، فیروزه (۱۳۸۸). *بررسی واج‌آرایی زبان فارسی باستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- باقری، مهری (۱۳۸۰). *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*، تهران: قطره.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۶). *فرهنگ بلوچی - فارسی*، تهران: معین.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، ۵ جلد، تهران: آثار.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۵۶). *آواشناسی (فونتیک)*، تهران: آگه.
- زینلی، صدیقه (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر قدرت و جنسیت مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای عذرخواهی و ردکردن به‌کار رفته توسط دانشجویان سراوانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- قاسم‌زاده، بهجت (۱۳۹۰). *بررسی زبان‌شناسانه گویش بلوچی دلگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد، تهران: سمت*
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ و همکاران، (۱۳۸۹). «بررسی ساخت هجا و اصل توالی رسایی در زبان فارسی باستان، جستارهای زبانی»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، سال اول، شماره ۴، ۵۱-۷۶.
- محمودزهی، موسی (۱۳۷۸). *مقایسه زبان بلوچی با زبان‌های ایرانی باستان*، پایان‌نامه دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- مکنزی، دیویدنیل (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- Ahangar, A; Zeynali, S. (2013). "Refusal Speech Act Realization in Sarawani Balochi Dialect: A Case Study of Female University Students", *Lods Papers in Pragmatics*, vol.9, no.2, 245-274.
- Ahangar, A. et.al (2013). "Relationship between Phonological and Geographical Distance: Persian, Sarawani Balochi and Sistani Dialect", *GEMA Online Journal of Language Studies*, vol. 13, no. 2, 117-134.
- Baranzehi, A.N. (2003). "The Sarawani Dialect of Balochi and Persian influence on it", *The Baloch and Their Neighbors: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, Wiesbaden: Reichert, 75-111.
- Barker, M.A; Mengal, A.K. (1969). *A Course in Baluchi*, 2vols, Montreal: McGill University.
- Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin: W. de Gruyter.
- Dames, M.L. (1891). *A Text Book of the Balochi Language, consisting of Miscellaneous Stories, Legends, Poems, and a Balochi-English Vocabulary*, Lahore.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Belgium: Brepols.
- Elfenbein, J. (1966). *The Baluchi Language, A Dialectology with Texts*, London: Royal Asiatic Society Monographs.
- Elfenbein, J. (1989). "Baluchistan 3: Baluchi language and literature", *Encyclopedia Iranica*, vol.3, 633-644.
- Geiger, W. (1889), "Dialektspaltung im Balūčī", *Abhandlungen der I". Classe der Königlich Bayerischen Akademie der Wissenschaften* 18/1, 65-92.
- Grierson, G.A. (1921). "Balōchī", *Linguistic Survey of India X: Specimens of Languages of the Eranian Family*", *Calcutta*, 327-451.
- Horn, P. (1893). *Grundriss der Neupersischen Etymologie*, Strassburg, Trübner.
- Jahani, C. (1989). *Standardization and Orthography in the Balochi Language*, Uppsala: Studia Iranica Upsaliensia 1.
- Jahani, C. (2001). "Balochi", *Facts about the World's Languages: An Encyclopedia of Word's Major Languages, Past and Present*, J. Garry & C. Rubino (eds.). New York/ Dublin, pp. 59-64.
- Jahani, C. and Korn, A. (2009). "Balochi", *Iranian languages*, G. Windfuhr (ed.), London, New York: Routledge, pp. 634-692.
- Kent, R.G. (1953). *Old Persian, Grammar, Texts and Lexicon*, New Haven, Connecticut
- Korn, A. (2003). "Balochi and the Concept of North-Western Iranian", *The Baloch and Their Neighbors: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, C. Jahani & Korn A. (eds.), Wiesbaden: Reichert Verlag, pp. 49-60.

- Korn, A. (2005). *Towards a Historical Grammar of Balochi*, Wiesbaden: Dr. Ludwig.
- MacKenzie, D.N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- Okati, F. (2012). *The Vowel System of Five Iranian Balochi Dialects*, Uppsala: Uppsala University.
- Paul, L. (2003). "The Position of Balochi among Western Iranian Languages: The Verbal System", *The Baloch and Their Neighbors: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, C. Jahani & Korn A. (eds.). Wiesbaden: Reichert Verlag, pp. 61-71.
- Rezai Baghbidi, H. (2017). *Middle Persian Historical Phonology*, Osaka, Osaka University.
- Schmitt, R. (2004). (2004). "Old Persian", *The Cambridge Encyclopedia of The World's Ancient Languages*, R.D. Woodard (ed.), Cambridge, pp. 717-741.
- Soohani, B. et al. (2011). "Stress Pattern in Central Sarawani Balochi", *Iranian Journal of Applied Language Studies*, vol.3, No.1, pp.151- 194.
- Soohani, B. et al. (2014). "Geminate in Central Sarawani Balochi", *Dialectologia* 13, pp. 71-85.
- Soohani, B. et al. (2014). "Reduplication with Fixed Segmentism in Central Sarawani Balochi", *Dialectologia* 17, pp.109-122.
- Spooner, B. (1967). "Notes on the Baluchī Spoken in Persian Baluchistan", *Iran* 5, pp.51-71.